رضا خوراکیان، مدیرعالی حرم مطهر امام رضا (ع) در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

زیارت؛ راهبردی برای تقویت سرمایهٔ اجتماعی و وفاق ملی

صادق امامی
عضو شورای سردبیری

اگر بنا بر تقدس باشد، مقدس‌ترین است؛ اگر بر پناه باشد، مستحکم‌ترین است و اگر بر نهاد اجتماعی میانی باشد، قدرتمندترینشان است. این عبارات در توصیف حرم مطهر امام رضا(ع) می‌گنجد اما حرم و امام معصوم(ع)، فراتر از این توصیفاتند. این جغرافیای یک میلیون مترمربعی، فراتر از یک زیارتگاه، نماد آرامش، وحدت و معنویت در متن جامعه ایرانی است. در گفت‌وگو با آقای رضا خوراکیان، مدیر عالی حرم مطهر رضوی، درباره نقش فرهنگی، اجتماعی و معنوی این آستان در زندگی مردم ایران سخن گفته‌ایم. او از اینکه چگونه این نهاد مردم‌نهاد، فراتر از ساختاری مذهبی، به بستری برای تولید آرامش، احیای هویت شیعی و حتی کنش‌های اجتماعی بدل شده است، سخن گفت. متن این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

حرم امام رضا(ع) برای ما تنها یک مکان مذهبی نیست، یک تکیه‌گاه عاطفی و حتی هویتی است. مردم امام رضا(ع) را پناه خودشان می‌دانند. چطور این تصویر برای مردم پدید آمده و حرم چه نقشی می‌تواند در زندگی مردم داشته باشد؟

کار ما اینجا مرقدداری به معنای عرف نیست. اینجا کانون پیوند روحی مردم با امام(ع) است. اینجا جایی است که همه آن تصویر و تصوری که مردم از معارف دین دارند، از انسان کامل دارند، در وجود امام(ع) متجلی است. مردمی که شیعه هستند اعتقاد دارند امام(ع) در حالت حیات و ممات، فرقی نمی‌کند. لذا بهره و فیضی که از امام(ع) در زمان حیات دنیایی می‌توان برد، در شرایطی هم که ما چشم در چشم نمی‌بینیم‌شان، معارف دینی و شیعی ما می‌گوید می‌توان در این شرایط هم، چنین ارتباطی داشت. می‌خواهم بگویم یک زمان شما از منظر شیعه و شیعیان نگاه می‌کنید؛ از منظر شیعیان، بالاتر از پناهگاه است. فرض کنید به مردم بگوییم شما اینجا می‌آیید مشکل‌تان که حل نمی‌شود، بلکه یکسری مشکلات هم متوجه شما می‌شود. ولی باز مردم می‌آیند. در سال تحویل چرا مردم به زیارت می‌آیند؟ مگر سال تحویل زمان خوبی برای زیارت است؟ بلیت گران‌تر است، اسکان گران‌تر است، تردد در شهر با محدودیت‌های بیشتری است، حرم انبوه جمعیت است و زیارت در گوشه خلوت یا برنامه‌های متنوع‌تر نیست. این در حالی است که یک هفته زودتر یا دیرتر، از نظر زیارت بهتر است ولی چرا در سال تحویل جمعیت میلیونی و بالاتر از میلیون را داریم؟ چون نگاه آن‌ها به جایگاه امامت است. آن‌ها می‌فهمند و می‌دانند که امام(ع) حی و زنده است، سلام را جواب می‌دهد، لذا می‌خواهند یک لحظه خوب زندگی را کنار امام(ع) بگذرانند.

اگر ما حتی شیعه نباشیم، مسلمان نباشیم، از منظر علوم اجتماعی نگاه کنید، این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که جمعیت انبوهی که می‌آید باور و دریافتی دارد. اینجا برای او اتفاقی می‌افتد که به حرم می‌آید و این تکرار می‌شود. امسال آمده و سال بعد هم می‌آید و دوست دارد باز هم بیاید. شما جایی می‌روید و انتظاری دارید، اگر آنجا آن چیزی که فکر می‌کردید نیست، یکبار می‌روید ولی اینجا نشان می‌دهد یک رویداد مستمر وجود دارد. شما اگر بخواهید بدون معارف دینی هم نگاه کنید، حرم مطهر و فرایند زیارت، فرایند «تولید آرامش» است. لذا کسانی که می‌آیند صرف‌نظر از اینکه چقدر حاجت خود را گرفته‌اند و می‌گیرند، برایشان تولید آرامش می‌کند. لذا کسانی که آمدند شاید برخی از آن‌ها آشنایی عمیق با معارف شیعی ندارند، اصلاً شیعه نیستند، ولی می‌آیند و امام رضا(ع) و فرایند زیارت برای آن‌ها بسیار مورد توجه است. بخشی از هندوها می‌آیند. وقتی در این فرایند قرار می‌گیرند مجموعه‌ای از اتفاقات رقم می‌خورد که برای آن‌ها ذی‌قیمت است، لذا تکرار می‌کنند. این نکته‌ای است که به‌درستی اشاره کردید که ما فقط به زیارت مضجع شریف امام و یک مکان مقدس نمی‌رویم، بلکه امام حی و حاضری را زیارت می‌کنیم و در محضر آن امام(ع) هستیم که چه حیات و چه ممات ایشان در ایفای نقش هدایتگری برای شیعیان فرقی نمی‌کند. یکی از جلوه‌های این امر حاجت خواستن است. امروزه هیچ مفهومی در دنیا به اندازه زیارت مورد هجوم نیست. یکی از وجوه مشترک جریان‌های سکولار، جریان‌های ضددین، جریان‌های ضدشیعه، جریان‌های متفاوت فکری و... مقابله جدی با زیارت است. به کتاب‌ها و فیلم‌ها و کارهای پژوهشی و تبلیغی-ترویجی نگاه کنید. با همه این هجمه سنگینی که می‌شود امروز می‌بینید مقوله زیارت روزافزون و سال به سال توسعه کمی و توسعه مفهومی و کارکردی پیدا کرده است. یکی از کارکردهای زیارت، کارکردهای اجتماعی است که بسیار متفاوت با ده سال قبل است. زیارت بازتولید ویژگی‌ها و صفاتی در ظاهر است که آن ویژگی‌ها متناسب با شرایط اجتماعی، متناسب با نیازهای جامعه رفتارهای متفاوتی را بازتولید می‌کند. وقتی فردی می‌بیند امروز مردم مشکل اجتماعی دارند، نمی‌تواند آرام باشد؛ اینجا زیارت منشأ خیرات اجتماعی می‌شود یا هرچیز دیگر! این گوهری است که حقیقت معنوی و ارادی انسان را در اذهان جا می‌اندازد.

دو نکته به نظرم پراهمیت است که به‌درستی بیان کردید. برای انسان‌ها، رابطه با ائمه یا امام رضا(ع) یک رابطه یک‌سویه نیست که اگر اینطور بود شب عید به زیارت نمی‌آمدند. این یک رابطه دوسویه است، یعنی این طرف نیز هزینه می‌دهد و شاید همین رابطه دوسویه در بحث زیارت هم کارکرد پیدا کرده است. کارکرد اجتماعی پیدا کرده که برای اموری نذر می‌کنند که در حالت عادی شاید این کار را نکنند؛ مثل آزادی زندانی‌ها که به واسطه امام(ع) است. منشأ این خیر امام(ع) است و به این جهت این کار را مردم می‌کنند. زیارت به نحوی تبدیل به امر اجتماعی می‌شود یا کارکردهای اجتماعی ایجاد می‌کند. نمی‌دانم این را قبول دارید یا خیر، ولی آیا می‌توان حرم را یک نهاد اجتماعی میانی بین مردم و حکومت در نظر گرفت؟ اگر بله، چقدر می‌تواند در این زمینه موفق عمل کند یا کارایی داشته باشد؟

شما امروز را هم در نظر نگیرید، در طول تاریخ اساساً آستان قدسِ امروز، محصول چیست؟ آستان قدسی وجود نداشت. بعد از شهادت امام رضا(ع) آن چیزی که وجود داشت علاقه مردم به ایشان بود که در قالب زیارت جلوه‌گر شد. این علاقه در طول تاریخ چیزی را که امروز به نام آستان قدس معروف است، به وجود آورده. وقف شده، نذر شده است، آستان قدس مردم‌نهادترین ساختار و سازمانی است که در کشور وجود دارد و اطلاعاتی که ما داریم از جهاتی منحصر به فرد و از جهاتی جزء برترین نهادهای مردم‌نهاد است. هرچه در آستان قدس دارید، وقف و نذر است یا عین وقف و نذر است یا از عواید وقف و نذر است که در حکم وقف و نذر می‌باشد. امروز آستان قدس را بیش از ۸۰ هزار خدمه و خادمیار افتخاری اداره می‌کنند. این مردم را با چه عنوانی می‌توانید جمع کنید؟ اگر روحیه افتخاری مردم نبود چطور و با چه هزینه‌هایی باید این اتفاق رقم می‌خورد؟ از منظر فرد هم نگاه کنید خدمه‌ای که اینجا می‌آید و جارو دست می‌گیرد و حرم را جارو می‌کند، وقتی در خانه است چای را از کس دیگری می‌خواهد! ولی اینجا با افتخار کار می‌کند. بسیاری از این‌ها افراد با تحصیلات بالا و برخی از این‌ها مدیران ارشد در بخش‌های خصوصی و دولتی هستند. برخی‌شان دانشمندان داخلی و خارجی هستند! این‌ها به حرم می‌آیند تا به زائران خدمت کنند. هرچیزی که در آستان قدس است، محصول عشق و علاقه مردم به حضرت رضا(ع) است، البته این عشق و علاقه محصول و نتیجه عنایتی است که از حضرت(ع) دیده‌اند. این عشق و علاقه ایجاد شده است. بازخورد و بازتاب و عکس‌العمل عنایت حضرت(ع)، حجم عظیم وقف و نذر و خدمت و... شده است. اگر عناوین موقوفات را بشماریم، بیش از ۱۰۰ مورد است. طرف نذر کرده به نام امام رضا(ع) امکانات تحصیل را برای افرادی که امکانات ندارند فراهم کند، کسانی که به مشهد نیامدند، به زیارت بیایند، برای درمان نذر کرده است، به نام حضرت رضا(ع) برای فعالیت‌های علمی نذر کرده است. برای اطعام نذر کرده است.

امروز نذرهای کاملاً متنوع وجود دارد که ریشه همه این‌ها عشق و علاقه به امام رضا(ع) است که برخاسته از باورهای دینی است. در هر مقطعی در تاریخ نگاه کنید این موقوفات شاید وقت‌هایی وجه غالبی پیدا کرده است، هم سمت‌وسوی وقف کردن و هم خدمات و برنامه‌ها. امروز به دلیل مشکلاتی که داریم، به دلیل شرایط خاص اجتماعی، طبیعتاً توجه به عرصه‌های اجتماعی چه در بحث امدادرسانی و خدمت و چه در بحث مواجهه با آسیب‌ها و فاصله‌ای که با تربیت انسان تراز داریم، بیشتر است. خلأ ما شاید بیشتر در این عرصه‌هاست. طبیعتاً ذوق و شوق این عزیزان هم به این سمت می‌رود که نیاز روز را جواب دهند.

در کشور، تئوری‌سازی‌های مختلفی برای وحدت ذیل یک عنوان می‌شود ولی واقعیت این است که حبل‌المتین در ایران ائمه و خصوصاً امام رضا(ع) است. یعنی ما هیچ طنابی محکم‌تر از این‌ها نداریم. حتی اهل سنت و اقلیت‌های مذهبی هم به اهل بیت ارادت دارند. شاید برخی برای خیلی از پروژه‌ها حاضر نباشند کاری کنند ولی وقتی اسم امام رضا(ع) می‌آید با جان و دل همراهی می‌کنند. مثلاً تنها با دیدن پرچم حرم، حاضر می‌شود بخش زیادی از طلب خودش را ببخشد. برنامه‌ای برای استفاده حداکثری از این ظرفیت وجود دارد؟ از این ظرفیت می‌توان استفاده کرد. آیا با توجه به شرایط چنین برنامه‌ای در دستور کار وجود دارد؟

کانونی‌ترین بحث آستان قدس، حرم مطهر است. بیرون از اینجا ممکن است سر یک جای پارک با هم دعوا کنیم ولی وقتی وارد حرم می‌شویم لیوان آب دست یکدیگر می‌دهیم. اگر کسی قرآنی برداشته، دیگری سرجای خود در قفسه می‌گذارد که به زحمت نیفتند. در یک شرایط اجتماعی طبیعی برای ما پیش آمده که هرکسی به فکر خود و نیازهای خودش است ولی وقتی وارد فرایند زیارت می‌شود؛ وقتی به حرم مطهر مشرف می‌شود این کاملاً برعکس می‌شود. یعنی هرکسی که به اینجا می‌آید، می‌خواهد کاری کند، آبی دست کسی بدهد، خدمتی بکند، این به نظر من خیلی مهم‌تر است. درحالی‌که جامعه ما و مناسبات اجتماعی ما بیشتر فردمحور شده و هرکسی به دنبال خود، نیازهای خود و آن چیزی است که فکر می‌کند مطالباتش است، سالانه ۳۵ میلیون زائر به مشهد می‌آیند.

در این دنیایی که این گونه است عرصه‌هایی متفاوت وجود دارد؛ یک نمونه زیارت است که دگرخواهی است. لذا بیرون همین تنوع را داریم ولی تحمل کمتری نسبت به هم داریم. وقتی داخل حرم می‌آییم تحمل بالاتری نسبت به هم داریم. حرم مطهر و فرایند زیارت -سنجش‌هایی در این رابطه شده است- باعث ارتقای وفاق و همدلی اجتماعی می‌شود. زیارت باعث می‌شود سرمایه اجتماعی ما در کشور ارتقا پیدا کند. من از منظر دینی صحبت نمی‌کنم. امید به جامعه، به کشور، به خود، به توانایی فرد در اینجا توسعه پیدا می‌کند و این کارکردهای اصلی است. در ذیل این‌ها باز ظرفیت خدمه، خادمیار، خادم‌های حضرت رضا(ع) باعث می‌شود صدها گروه پزشکی با نام و یاد امام رضا(ع) فعالیت کنند. در عرصه‌های مختلف این اتفاق می‌افتد که می‌بینید. این‌ها خدمت اجتماعی می‌دهند و کارهای مختلفی می‌کنند. برخی کارها را نیز آستان قدس انجام می‌دهد. مثلاً سال‌های قبل فقط اطعام محرومان در مناطق حاشیه شهر و محروم را داشتیم.

دعوت تولیت از افراد متمول برای اهدای هدایا.

ولی از سال قبل در مناطق برخوردار هم اطعام انجام شد و بازخوردهای فوق‌العاده متفاوتی داشت. برخی تعجب می‌کردند. به دعوت تولیت، افراد متمول و بزرگان کسب و کار دعوت شدند و آستان قدس هدایایی در نظر گرفت و خواست این هدایا را این افراد با همسر خود به محرومان بدهند. جز با نام امام رضا(ع) این افراد را نمی‌توانستیم جمع کنیم. جز به خاطر امام رضا(ع) این افراد در این مسیر انتخاب اول را نداشتند ولی رفتند و اثرات خیلی زیادی داشت. اینجا می‌توانید زن، مرد، شهری، روستایی، دانشگاهی، فرد معمولی، از استان‌ها و قومیت‌های مختلف را کنار هم جمع ببینید. در دنیا وقتی برای جشنی می‌خواهند ۴۰ تا ۱۰۰ هزار نفر را جمع کنند، چه اتفاقاتی می‌افتد؟ اینجا در مناسبتی همچون سال تحویل بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر وارد حرم می‌شوند. با همه تنوعی که وجود دارد!

یکی از افراد از خارج کشور که غیرایرانی بود، به اینجا آمد. وقتی این قومیت‌ها را دید گفت: «شما دعوت کردید؟» گفتیم: «خیر». گفت: «پس چطور این‌ها همه با هم به اینجا آمدند؟» برای او قابل قبول نبود که یک باور این افراد را به اینجا کشانده است. برخی می‌پرسند «این‌ها با هم قوم و خویش هستند و طایفه‌ای به اینجا می‌آیند؟» گفتیم خیر. تخصص این فرد مدیریت جمعیت بود. می‌گفت: «چطور این افراد اعم از بچه، زن، مرد، پیر و جوان را مدیریت می‌کنید و چطور این‌ها را در کنار هم قرار می‌دهید؟ چه انگیزه‌ای این‌ها را آورده؟» این‌ها همان کارکردهای اجتماعی است. یعنی منهای بحث‌های دینی و بحث‌هایی که از نگاه شیعه می‌توانیم به زیارت و کارکردهای آن داشته باشیم که آن برای ما اصل است، ولی اگر از همین منظر علوم اجتماعی هم نگاه کنید، زیارت باعث ارتقای وفاق و همدلی، بازتولید سرمایه اجتماعی و ایجاد آرامش می‌شود. شما به جایی می‌آیید که می‌توانید مشکلات خود را بیان کنید، جایی است که می‌توانید امید داشته باشید در اوج ناامیدی از همه‌چیز. در این اوج ناامیدی کارهایی همچون خودکشی یا نقش‌های نابه‌هنجار اجتماعی رقم می‌خورد. این زیارت آن نقطه‌ای است که هیچ‌گاه بن‌بست ندارید. شما مهم نیستید بلکه مهم این است که با حقیقتی در عالم پیوند برقرار کنید که حتی اگر آن پاسخی که می‌خواهید دریافت نکنید، اما به شما نگرشی می‌دهد که تعریف شما از خوب و بد، سالم و بیمار، از همه‌چیز متفاوت می‌شود. بیماری یا مشکل جسمی را با یک نگاه دیگری اساساً آن‌قدر بد نمی‌بینید و فرصت می‌بینید تا تهدید! ممکن است عده‌ای هم شفا بگیرند، اما آن نگرش اینجا ایجاد می‌شود، لذا زیارت مؤثرترین، فراگیرترین و اثربخش‌ترین فرایند فرهنگی و تربیتی در کشور ماست.

آستان قدس پویشی به نام «ایران امام رضا(ع)» دارد. برای اینکه ایران امام رضا(ع) معنا پیدا کند در آستان قدس و در تمام شئون هم باید این‌گونه باشد، یعنی آستان قدس باید خود مراقبت کند تا مورد سوءاستفاده خناسّان، جریان‌های سیاسی و... قرار نگیرد و عصاره‌ای از ایران باشد. این سخت نیست؟

بله. بالاخره اینجا جریان‌های فکری مختلف می‌آیند، پایگاه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف انتظاراتی دارند. اینجا باید همه بتوانند از انوار ملکوتی امام رضا(ع) استفاده ببرند و البته چون خود مردم و کسانی که می‌آیند متوجه هستند امام رضا(ع) بزرگتر از حاصل جمع ماست. ایشان متعلق به فقط مشهدی‌ها، شیعیان یا ایرانی‌ها نیست. اهل سنت شمال آفریقا و شرق آسیا متأثر از تصوف هستند و در سلسله مراتب تصوف به امام رضا(ع) می‌رسند. در مناطق ترکمن صحرا و ترکمنستان و این کشورهای شمالی تعبیر قزل امام (امام طلایی) به امام رضا(ع) برمی‌گردد. این‌ها به حرم می‌آیند به خاطر پیوندی که دارند. هندوها می‌آیند. در مجموعه ما مقدار بسیار زیادی شعر از هندوها برای امام رضا(ع) وجود دارد که این‌ها را با اشک چشم گفته‌اند. قرار نیست مسلمان شوند ولی امام رضا(ع) را دوست دارند. جالب است که این‌ها چیزهایی همانند ماکت حرم مطهر ساخته‌اند. چون مسلمان نیستند در مساجد نمی‌روند و آنجا به یاد حضرت هستند و حاجت هم می‌گیرند. این ظرفیت‌ها وجود دارد.

البته همانقدر که از ظرفیت اجتماعی می‌خواهیم اینجا پذیرای همه باشیم، از منظر فکری و درست و غلطی هم اینجا باید شفاف، دقیق و روشن، تراز و شاخص‌های مدنظر اهل بیت(ع) مطرح شود. سیره امام رضا(ع) با گروه‌های درون شیعه چطور بود؟ امام رضا(ع) از نظر اجتماعی رویکرد خیلی بازی دارند، همه را فراخوان می‌کنند اما وقتی بحث مباحث فکری و اعتقادی می‌شود با نزدیک‌ترین افراد خود، با بستگان خود که متفاوت بودند، مرزبندی می‌کنند. اینکه اینجا مورد توجه همه است، همین مسئله است. اینکه قرار باشد اینجا چیزی جز معارف اهل بیت(ع) گفته شود حتماً مدنظر نیست و باید معارف اهل بیت بیان شود. هرکسی با هر میزان نزدیکی و بهره‌مندی از این معارف می‌تواند سطح بالاتری از بهره‌مندی را برای خود ایجاد کند. ما تلاش کنیم به این نقطه برسیم. اینجا حرم امام رضا(ع) است، پایگاه نشر معارف اهل بیت(ع) است، اینجا از کانون‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی بوده است و ما اسلام ناب و اسلام اهل بیت(ع) را باید اینجا ارائه کنیم.

از گذشته دور خیلی خبر ندارم که بتوانم درباره آن بپرسم ولی در سال‌های اخیر آستان قدس رضوی فعالیت‌هایی در حوزه بین‌الملل دارد مثل کاروان زیر سایه خورشید که به کشورهای مختلف می‌رود. سفرشان به پاکستان و لبنان را دیده‌ام. این کاروان‌ها خیلی اثرگذار است. برنامه‌ای برای استفاده از دیپلماسی فرهنگی در این زمینه دارید؟ یا آستان قدس قرار است نقشش را به‌عنوان یک مرجع فرهنگی-دینی فرامرزی بیشتر کند؟ چهارچوب مدون فکرشده‌ای برای این موضوع وجود دارد؟

بله، فکرهایی در مجموعه آستان شده است که نمی‌توان گفت اینها جای بهتر شدن ندارد. در کاروان زیر سایه خورشید که شما اشاره کردید، روی محتوا فکر می‌شود و اینکه کشور مقصد کجا باشد؟ در این مراسم سعی می‌شود تشکل‌های بومی میزبانی کنند ولی واقعیت این است که اصل ماجرا، عنایت حضرت رضا(ع) است. چرا این کاروان‌ها مورد توجه واقع می‌شود؟ چون معمولاً با اتفاق‌هایی همراه می‌شود که مخاطب را متوجه کند عالم حقیقت ماورائی هم دارد. ما در همین قضایایی که در لبنان اتفاق افتاد ۱۱ مرحله گروه‌هایی از خدام را اعزام کردیم که ۳-۲ هفته آنجا بودند. در یکی از این اعزام‌ها فردی که در اثر انفجار پیجر یک چشمش کامل نابینا شده بود و یک چشم دیگر حدود ۸۰ درصد نابینا شده بود، وقتی پرچم مطهر حضرت رضا(ع) را لمس می‌کند، هر دو چشمش بینا می‌شود! کسانی که در این صحنه حضور داشتند، حال و روز دیگری دارند. این فرق می‌کند با اینکه ما چه محتوایی را آماده کردیم. این کارکردی است که خود امام رضا(ع) رقم می‌زند. طراحی برنامه‌ها سر جای خود است ولی زیر سایه خورشید که اشاره می‌کنید مؤثر است، برای عنایت حضرت رضا (ع) است. دوستان ما فکر کردند چه اتفاقی در محتوا بیفتد؟ در ارائه و فرم چه اتفاقی بیفتد؟ مجری چطور باشد؟ در هر کشوری تشکل بومی میزبانی کند و توسط تشکل ایرانی برگزار نشود.

اینها برای شما مهم است.

بله. تشکل باید بومی باشد، میزبان باید بومی باشد. برای ایرانی‌های ساکن پاکستان که مراسم نداریم. آن مراسم را باید خود ایرانی‌ها برگزار کنند، بلکه ما برای جشن ولادت امام رضا(ع) آماده می‌شویم که از جمله شروط این است که آن تشکل باید حتماً بومی باشد. میزبان زیرسایه‌های خورشید در هر کشوری یک تشکل مردمی بومی است. مثلا به لحاظ کتابخانه گنجینه بی‌پایانی داریم. با مراکز کتاب‌خوانی در سراسر دنیا تبادل داریم، از جمله با اروپا، امریکا، آسیا و... اسناد، نسخ خطی و... باب دیگری است. در بحث موزه به همین ترتیب است. موزه آستان قدس رضوی موزه ارزشمندی است. ما تبادل‌های فرهنگی با موزه‌های دیگر داریم. عرصه‌های دیگر هم کم و بیش دارد. ارتباط‌های بین‌الملل ما در جاهایی مبتنی بر معماری است. حرم امام رضا(ع) معماری خاصی دارد. این معماری خیلی قابل توجه و ارائه است. برخی از حرکت‌های علمی نیز وجود دارد مثل کنگره جهانی حضرت رضا(ع) که سال گذشته با موضوع «عدالت برای همه و ظلم برای هیچ کس» مبتنی بر معارف رضوی بود. اینجا هم معارف امام رضا(ع) و اهل بیت مورد بررسی قرار می‌گیرد که برای کسانی که ناآشنا هستند خیلی جلوه می‌کند. این باب دیگری است از ارتباط‌هایی که محوریت آن عمدتاً علمی، نخبگانی و اندیشه‌ای است. کتاب «المعجم في فقه لغة القرآن و سر بلاغته» دایره‌المعارفی در باب معرفی باورهای شیعه ذیل آیات قرآن است. شاید جلد ۲۷-۲۶ آن هم چاپ شده و همچنان ادامه دارد. این در کشورهای عربی و مراکز کلامی و فقهی و تاریخی کشورهای اسلامی به‌شدت مورد توجه است. دو شماره را دوستان دیرتر ارسال کرده بودند، از الازهر مصر دو سه نامه نوشته بودند که «شنیدیم کتاب چاپ شده؛ چرا برای ما ارسال نمی‌کنید؟ اگر هزینه‌ای دارد ما پرداخت می‌کنیم.»

می‌خواهم بگویم ارتباط آستان قدس فقط ارتباط کاروان زیارتی نیست و این یک بعد است که از کشورهای مختلف می‌آیند. در خود برنامه‌های حرم مطهر نیز سعی شده برنامه به زبان‌های مختلف برگزار شود. مثلاً در شب‌های قدر به زبان عربی، اردو و آذری مراسم برگزار می‌کنیم. مثلاً سخنرانی و مداحی عربی است.

یعنی در بخشی از حرم این‌طور است.

بله، رواق‌هایی هستند که هفتگی به زبان انگلیسی، روسی، اسپانیولی برنامه داریم؛ گروه‌هایی می‌آیند. با مراکزی در سطح دنیا اینجا مرتبط هستیم و برای آنها مطالبی می‌فرستیم. رواق مخصوص زائران غیرایرانی داریم. کارهایی هم انجام می‌شود و عمدتاً این است که بیشتر از اینکه ما بخواهیم برنامه‌ریزی کنیم نیازی است که اینجا می‌آید و مستقر است و ما باید به آن نیاز پاسخ دهیم. بخشی برنامه‌ریزی‌های ماست و بخشی علاقه و ارادتی است که افراد مختلف دارند و اینجا متجلی می‌شود. موکب‌هایی که امروز برای خدمت‌دادن به مردم می‌بینید، از عراق، پاکستان، آذربایجان، افغانستان، ترکیه هستند. از افغانستان می‌آیند. شاید کشورشان بیشتر نیاز داشته باشد ولی آنها حضرت رضا (ع) را دوست دارند! امام رضا(ع) متعلق به همه است. ما نمی‌توانیم بگوییم او نیاید.

برای دهه کرامت می‌آیند؟

بله. همین الان حضور دارند، خدمت می‌دهند، ما هم کمک می‌دهیم تا به‌درستی خدمت‌رسانی کنند. از ملیت‌ها و زبان‌های مختلف هستند. یکی از کارهایی که رسمی‌تر است تفاهم‌نامه‌ای است که اعتاب مقدس با هم داریم. اینها هرازچندگاهی دور هم جمع می‌شوند و یک‌سری تصمیم‌های مشترکی می‌گیرند. در مرحله بعد به دنبال این هستیم که مزارها را داشته باشیم که فراتر از شیعیان است. ارتباط‌هایی با جهان مسیحیت داریم. ظرفیت‌های مشترکی را در این زمینه داریم که مهم‌ترین آن توحید است. ظرفیت‌های دیگری نیز وجود دارد که به ترتیب بخشی فعال می‌شود و بخشی هم متناسب با شرایط و انتظارها بدان پرداخته می‌شود.

هدف اغلب انسان‌ها برای سفر به مشهد، زیارت امام رضا(ع) است. کمتر هم پیش می‌آید انسان‌ها پیگیر مسائل دیگری باشند. از این رو خیلی از وجوه آستان قدس و فعالیت‌های آن برای مردم ناشناخته است. اگر نکته ای در این زمینه است بیان کنید.

مهم‌تر از آستان قدس ۳-۲ مقوله داریم. من آمار استان، شهر و... را اعلام نمی‌کنم چون مسئول دارد. آمار حرم را بیان می‌کنم. یعنی از گیت بازرسی که چشم الکترونیک زوار را می‌شمارد، می‌گویم که سالانه ۲۳۰ میلیون تشرف به حرم مطهر داریم. در ۲۴ ساعت سال تحویل که می‌گذرد بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از گیت وارد می‌شوند. خیابان‌های اطراف را آمار نمی‌دهم که مسئولان مربوطه باید آمار آن را بیان کنند. این عظمتی که به زیارت می‌آیند دیده نمی‌شود چون تکرار می‌شود. ۵۰ نفر در جایی رفتاری دارند، قضاوت درست و غلط ندارم و هر پدیده اجتماعی را باید درست دید و ندیدن آن و تحلیل نکردن آن مزیت محسوب نمی‌شود. نمی‌گویم چرا آن را عده‌ای تحلیل می‌کنند ولی عظمت زیارت چون همیشه تکرار می‌شود کسی فکر نمی‌کند اینجا یک پرداخت اجتماعی هم دارد. این زائرانی که اینجا می‌آیند هر کدام داستان و روایتی دارند. امسال کتابی چاپ کردیم که به نام خورشید از قریب به ۳۰۰ سفرنامه ایران ۱۹ مورد انتخاب شده است.

در مطالعات اجتماعی سفرنامه یکی از مهم‌ترین منابع قابل‌توجه است. خیلی از کسانی که سفرنامه‌ها را نوشتند هیچ پیوندی با مردم ایران نداشتند یا مدافع مردم ایران نبودند. در همین کتاب خاطرات اولین سفیر آمریکا از مشهد موجود است. اینها خیلی جاها چون درک نمی‌کردند نگاه عموماً مثبتی ندارند ولی وقتی به زیارت می‌رسند نمی‌توانند جز با عظمت یاد کنند. البته نمی‌خواهم بگویم هرچه آنها بیان کردند برای ما ملاک است. آنها یک نظر دارند، هم تعریف و هم نقد آن! صرفاً نظرهایی که از ما تعریف کردند را معیار نمی‌دانیم ولی بالاخره کسانی که در نوشته‌های خود نشان دادند از حد معمول بیشتر دنبال این بودند که یا بدی‌ها را برجسته کنند یا چیزی را متوجه نمی‌شدند جزو نواقص این ملت برشمردند و بنویسند و برخی هم رسماً مأمور بودند؛ ولی ببینید نسبت به مشهد، نسبت به زیارت، نسبت به زائران و رفتار آنها در عرصه زیارت چه می‌نویسند؟

حرف من این است که ظرفیت‌های زائر و زیارت بزرگ‌تر از آستان قدس و دستگاه اجرایی آستان قدس است. فرایند زیارت می‌تواند برخی از آن خواسته‌های ما را در تراز ملی محقق کند، بازتولید سرمایه اجتماعی کند، همدلی و وفاق ایجاد کند، آرامش و خیلی موارد دیگر را ایجاد کند.

نکته بعدی سطح پایین‌تر دارد ولی می‌خواهم بیان کنم. در دهه آخر صفر در کمتر از یک هفته آمار رسمی می‌گوید که ۳/۷ میلیون نفر زائر داریم. کسی کاری ندارد! زیارت مسئله مسئولان ما نیست. به زیارت به چشم یک فرصت نگاه نمی‌شود. آدم‌های خوبی هستند و زیارت را باور دارند ولی مسائل معطوف به زیارت را نگاه کنید، مسائل الان را لیست کنید و با ۲۰ سال قبل مقایسه کنید. احساس نمی‌کنید برخی از آنها آن سرعت لازم را در حل داشته است چون یک کار بخشی و موردی است و ثمرات آن روشن نیست. کسی فکر نمی‌کند توسعه زیارت به نفع کشور است، مایه وفاق است. شما می‌بینید آزادراه مشهد-تهران، قطار سریع‌السیر مشهد-تهران از زمان مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی تصویب و ابلاغ شده. یک زمان‌هایی آغاز عملیات را اینجا جشن گرفتند. برای ۵ الی ۶ بار شاهد این جشن بودیم. هنوز مشکل پارکینگ اطراف حرم را داریم. برای حل این باید اراده‌ای باشد. آمدن به حرم باید پیش‌بینی‌پذیر باشد. نمی‌شود یک‌بار همه راه‌ها بسته باشد و ۳-۲ ساعت طول بکشد و یک‌بار این‌طور نباشد. یک جایی ممکن است بگوییم ماشین شخصی نیاید و حمل‌ونقل عمومی‌محور باشد. مشکلی نیست! همین را باید زائر بداند که وقتی می‌خواهد به زیارت بیاید باید چطور و با چه چیزی بیاید؟ نمی‌شود به مشهد بیاید و وقتی می‌خواهد برگردد بحران بلیت داشته باشد، اسکان بحران باشد. زیارت باید مسئله متولیان باشد، مسئله مسئولان باشد که این وجود ندارد.

موضوع دیگر اینکه در تصحیح نگرش به ایرانیان، از جمله تابلوهای قشنگی که می‌توان نشان داد فرایند زیارت است و اتفاقاتی که در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، رفتاری می‌افتد ذیل زیارت است. می‌توانید این را به‌راحتی منعکس کنید. من فکر می‌کنم رسانه‌ها اگر بخواهند بپردازند حرم در گذر زمان را داشته باشند. به این رویدادها پرداخته نشده است. یک مورد واقعه مسجد گوهرشاد است. این مدرسه خیرات خان توسط سفیر وقت هند ساخته شده است. این سفیر آمده استوارنامه خود را به شاه صفوی بدهد و به هر دلیلی موفق نمی‌شود و به مشهد می‌آید و این مدرسه را می‌سازد یعنی حرم در گذر زمان چه به لحاظ ساخت‌وساز و چه به لحاظ اتفاقاتی که افتاد مسائل زیادی دارد. مشاهیر مدفون در حرم باب مفصلی است. معماری و ساخت حرم باب مفصلی است. آیین‌ها و مناسک حرم باز باب مفصلی است. خدماتی که در حرم اتفاق می‌افتد و فرشی که در حرم زیر پای شماست فرشی نیست که از مغازه خریداری شده باشد بلکه فرشی است که از ابتدا که نخ آن رسیده شد عده‌ای با عشق برای حرم این کار را کردند تا رنگرزی و بافتن آن و تا کسی که این را پهن می‌کند و جمع می‌کند و می‌شورد! همه این فرایند از اول تا آخر فرش و نور و کاشی و خوشنویسی و... همین‌طور است. هر چیزی که فکر کنید می‌تواند رویدادهایی داشته باشد و روایت‌هایی از اینها داشته باشید.

خودزائر هم می‌تواند روایت شود. افرادی که اینجا می‌آیند هر یک خاستگاه و انگیزشی دارند که رهنمون شده و به این حرم آمدند. انگیزه‌ها و علت انگیخته می‌تواند کمک کار و شیرین باشد. مستندها و کتاب‌هایی که می‌تواند اینها را روایت کند که چرا اینها این کار را می‌کنند، مهم است. پزشک متخصصی داریم که از یک کشور اروپایی به اینجا می‌آید و مقید است کفش‌داری کند. هیچ کار دیگری نمی‌کند و دوباره برمی‌گردد. گل حرم را ببینید، که کلاً توسط مردم تهیه می‌شود. همه بازارهای گل کشور در تأمین گل حرم نقش دارند. خودشان گل را می‌آورند و گل‌آرایی می‌کنند که هم هنر است و هم هزینه پرداخت می‌کنند. وقتی از گل‌فروشی گل می‌خرید و دسته‌گلی هم درست می‌کنند یک مقوله است. گل‌آرایی که اینجا انجام می‌شود با یک ذوق و شوقی است. روی برخی از برگ‌های گل‌ها نوشته از طرف فلان و برای ما هم دعا کنید و برای ما هم زیارت کنید. روی دسته‌های گل نامه نوشته بودند. این نشان داده نمی‌شود.

حتی در آسیب‌های اجتماعی دختر فراری داشتیم که پناهنده به حرم می‌شود، جایی که به لحاظ اجتماعی پذیرش ندارد. یک زمان‌هایی خانواده او از قبول کردنش سر باز می‌زنند ولی این آدم به حرم می‌آید و به امام رضا(ع) پناهنده می‌شود. در ابتدا به‌درستی بیان کردید که حرم صرفاً یک جای زیارتی نیست بلکه حرم ارتباط پویا، فعال و همه‌جانبه‌ای بین امام (ع) و زائران است. این پیوند خوب روایت نشده است.

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
شماره ۴۴۰۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام